



گفت‌وگو با حمید درخشان درباره
برد پرسپولیس مقابل نفت مسجدسلیمان

خلاقیت لوکادیا

صفحه ۶



سلطنت بر دموکراسی

چرا پادشاهی بریتانیا

نه تشریفاتی است و نه مشروطه؟

شروین طاهری: چارلز سوم، به مرحمت خداوند، پادشاه

بریتانیا و ایرلند شمالی و دیگر سرزمین‌های خود و رهبر

کشورهای مشترک‌المنافع، مدافع دین و حافظ مردم!

این لقبی بالا و بلند است که انگلیسی‌ها و حدود

۲۰ ملت تابعه‌شان مجبورند هر بار که پادشاه جدید

را می‌بینند یا آن تمام و کمال خطایش کنند. جمعیتی

حدود ۱۵۰ میلیون نفر از ولز و اسکاتلند و ایرلند شمالی

گرفته تا کانادا و استرالیا و نیوزیلند؛ عمدتاً از سرزمین‌های

مدعی دموکراسی و توسعه‌یافتگی. امروز در عصری که

با نام پرطمطراق دموکراسی شناخته می‌شود، فرصتی

برای آندیشمندان و رسانه‌ها فراهم شده تا ادعای مشروطه

بودن سلطنت فرادولتی او را که همیشه دست کم طی

یک قرن اخیر توسط ملکه الیزابت دوم و پدشش جورج

ششم، «حکومت من» خوانده می‌شد، راستی آزمایی

کنند. در عین حال آشناسانی روزافزون افکار عمومی

بریتانیا و جهان با واقعیات تاریک مربوط به این حکومت

همزمان با بر تخت نشستن چارلز سوم، پسر نالایق و

نامحسوب الیزابت، تردیدهایی جدی درباره بقای نظام

سلطنت انگلوساکسون به وجود آورده است. دهه‌هاست

لیبرال‌ها چنین تبلیغ می‌کنند که این سرزمین‌ها،

دموکراسی‌های پارلمانی هستند و مقام سلطنت مشروطه

یک مقام تشریفاتی است که دخالتی در سیاست ندارد. در

واقع هر جا ویژگی‌های ذاتی نظام سلطنتی بریتانیا چون

مطلقه، موروثی، غیردموکراتیک، غیرانتخابی، غیرشفاف

و قرون وسطایی بودنش مورد سوال منتقدان از جمله

خود جمهوری خواهان انگلیسی قرار می‌گیرد، تنها کاری

که حامیان این سلطنت و رسانه‌های شرکتی‌شان انجام

می‌دهند، پنهان شدن پشت عنوان «مشروطه» است. به

همین دلیل امروز این پرسش تاریخی اهمیت بسزایی

دارد: آیا سلطنت خاندان آلمانی تبار وینزور بر بریتانیا، واقعا

یک پادشاهی مشروطه است؟ و آیا اساسا اطلاق حکومت

مشروطه پادشاهی به سلطنت‌های موروثی در بریتانیا، واقعا

روایی که نظام سیاسی پارلمانی در آنها استقرار دارد،

تعریف درستی است؟ تا آنجا که به نص مشهود قانون

اساسی عرفی بریتانیا مربوط می‌شود، حکومت پادشاهی

این کشور حتی اگر مشروطه نامیده شده باشد اما در

عمل توسط هیچ قانون مترقی و بازدارنده‌ای مشروط

به تبعیت از نهادهای دموکراتیک نشده است. چگونه

می‌توان پادشاهی بریتانیا را ذیل تعریف سیاسی مشروطه

دسته‌بندی کرد وقتی مقام سلطنت بر اساس هیچ گونه

انتخابات ریاستی، پارلمانی، غیرمستقیم، رای یک مجمع

منتخب دموکراتیک یا هر نوع گزینش دیگری که در دایره

شهروندان عادی تحت حکومتش در آن باشد گزینش

نشده و صرفا برگزیده یک شورای سلطنتی (جلوس)

مشکل از پیرمردها و پیرزن‌هایی از قماش بستگان یا

گماشتگان اشراف‌زاده خاندان سلطنتی هستند؟ بدتر

اینکه روند کاملا موروثی گزینش‌های این شورا طی

قرن‌های گذشته نیز هیچ شکی باقی نمی‌گذارد که

اعضایش کاری جز انتقال قدرت در داخل خانواده وینزور

ندارند. طی ۱۱۰ سال گذشته مقام سلطنت بدین ترتیب

در این خاندان به ارث رسیده است: از جورج پنجم به

پسرش ادوارد هشتم، از او به برادرش جورج ششم، از

او به دخترش الیزابت دوم و از او به پسرش چارلز سوم.

پیش از آن هم قدرت در داخل همین خاندان جابه‌جا

شده است. در روزهای اخیر، متعاقب مرگ الیزابت دوم، بحث بر

سر اختیارات حکومتی و سیاسی عجیب و بی‌حد و حصر

دستگاه سلطنتی بریتانیا بسیار رونق داشته و به اندازه کافی

درباره آنها صحبت شده است.

حسی رسانه‌های جریان اصلی این کشور که تحت

سلطنت رسمی نهاد آفکام (نظارت بر رسانه‌ها) درباره

محتوای معایر با ارزش‌های سلطنتی هستند، بویژه پس

از مرگ ملکه دربار «مشروطه بودن» نظام سلطنتی

پرسش‌هایی جدی را مطرح کرده‌اند.

مثلا «کنان مالک» تحلیلگر سیاسی روزنامه گاردین

می‌شد که نام آلمانی‌شان ساکس کوپرگ و گوته بود

که به خاطر تخاصم با آلمانی‌ها در جنگ اول جهانی

به وینزور تغییر یافت. تناقض دیگر نظام به اصطلاح

مشروطه سلطنتی در بریتانیا، عنوان‌های «پادشاهی»

(روای) و «علی‌حضرت» بوده‌اند که تقریبا بر تارک تمام

ارکان و دستگاه‌های حاکمیتی جا خوش کرده است. از

ارتش و پلیس و دستگاه امنیتی و خزانه‌داری سلطنتی

گرفته تا دستگاه دادگستری علیا حضرت - که حالا به

اعلی‌حضرت تغییر پیدا کرده است - علاوه بر این انبوهی از

رگان‌ها و نهادهای دانشگاه‌ها، مراکز علمی و تصمیم‌گیری،

مراکز خدماتی و اجتماعی و رسانه‌های نیز با عناوینی مشابه

دارند یا مثل بنگاه خبرپرآگنی بی‌بی‌سی تحت نظر هیات

امنایی کار می‌کنند که توسط دربار گزینش می‌شود.

این بحث مقدم بر بحث اختیارات و قدرت ویژه‌ای است

که قانن اساسی قرون وسطایی بریتانیا به شخص شاه

یا ملکه می‌دهد. پس از مرگ الیزابت دوم، این بحث از

سوی یکی از اعضای حزب شین فین ایرلند شمالی مطرح

شد که مساله دخالت یا عدم دخالت مقام سلطنتی در

سیاست بریتانیا موضوعیت ندارد، چرا که این دخالت از

قبل، هنگام چیدن ساختار قدرت در سراسر این کشور

صورت گرفته و هیچ تغییری در وست مینیستر (قوای

مقتنه و مجریه)، قوه قضائیه و قوای انتظامی و نظامی

بدون نظر ساکنان کاخ باکینگهام نمی‌دهد. به عبارت

بهرتر، دستگاه سلطنت به جای رقابت در فعالیت‌های

حزبی، به واسطه لابی اشراف‌زادگان و وابستگان خود،

محیط فعالیت سیاسی را از کوچک‌ترین روستاها تا

عالی‌ترین مقامات کشور کنترل می‌کند. علاوه بر این

کنترل عمومی قدرت، دستگاه سلطنت از ۲ مزیت قرون

وسطایی دیگر، یکی مصونیت مطلق قضایی و دیگری

وتوی قوانین ناظر به نظام سلطنت در پارلمان و شوراهای

شهر نیز برخوردار است. آخرین بار در دهه ۱۹۷۰ بود

که الیزابت دوم، مجلس سفلی پارلمان را به خاطر اصرار

بر تصویب قانون حساسی برای آزادی‌های سلطنتی معلق

کرد. در نتیجه جایگاه خاندان وینزور هم به لحاظ قانونی و

هم حقوقی برای نمایندگان مردم بریتانیا دسترس‌ناپذیر

است. در مقابل این قدرت مطلقه، حتی عجیب‌ترین

اختیارات ویژه شاه یا ملکه نیز موضوعی پیش پا افتاده

به نظر می‌رسد. اختیاراتی مانند اعطای القاب سلطنتی

و افتخارات، تنفیذ قدرت به نخست‌وزیر، توانایی تدوین

و تصویب قوانین و تعلیق یا تعطیلی پارلمان، نظارت بر

انتصاب فرماندهان ارتش و قوای نظامی و انتظامی، اداره

مستقیم دستگاه‌های امنیتی داخلی (ام‌ای ۵) و خارجی

(ام‌ای ۶) و اختیار اعلان فرمان جنگ.

■ **اختیارات ملوکانه بر رعایای دموکراسی**

در روزهای اخیر، متعاقب مرگ الیزابت دوم، بحث بر

سر اختیارات حکومتی و سیاسی عجیب و بی‌حد و حصر

دستگاه سلطنتی بریتانیا بسیار رونق داشته و به اندازه کافی

درباره آنها صحبت شده است.

حسی رسانه‌های جریان اصلی این کشور که تحت

سلطنت رسمی نهاد آفکام (نظارت بر رسانه‌ها) درباره

محتوای معایر با ارزش‌های سلطنتی هستند، بویژه پس

از مرگ ملکه دربار «مشروطه بودن» نظام سلطنتی

پرسش‌هایی جدی را مطرح کرده‌اند.

مثلا «کنان مالک» تحلیلگر سیاسی روزنامه گاردین

می‌شد که نام آلمانی‌شان ساکس کوپرگ و گوته بود

که به خاطر تخاصم با آلمانی‌ها در جنگ اول جهانی

به وینزور تغییر یافت. تناقض دیگر نظام به اصطلاح

مشروطه سلطنتی در بریتانیا، عنوان‌های «پادشاهی»

(روای) و «علی‌حضرت» بوده‌اند که تقریبا بر تارک تمام

ارکان و دستگاه‌های حاکمیتی جا خوش کرده است. از

ارتش و پلیس و دستگاه امنیتی و خزانه‌داری سلطنتی

گرفته تا دستگاه دادگستری علیا حضرت - که حالا به

اعلی‌حضرت تغییر پیدا کرده است - علاوه بر این انبوهی از

رگان‌ها و نهادهای دانشگاه‌ها، مراکز علمی و تصمیم‌گیری،

مراکز خدماتی و اجتماعی و رسانه‌های نیز با عناوینی مشابه

دارند یا مثل بنگاه خبرپرآگنی بی‌بی‌سی تحت نظر هیات

امنایی کار می‌کنند که توسط دربار گزینش می‌شود.

این بحث مقدم بر بحث اختیارات و قدرت ویژه‌ای است

که قانن اساسی قرون وسطایی بریتانیا به شخص شاه

یا ملکه می‌دهد. پس از مرگ الیزابت دوم، این بحث از

سوی یکی از اعضای حزب شین فین ایرلند شمالی مطرح

شد که مساله دخالت یا عدم دخالت مقام سلطنتی در

سیاست بریتانیا موضوعیت ندارد، چرا که این دخالت از

قبل، هنگام چیدن ساختار قدرت در سراسر این کشور

صورت گرفته و هیچ تغییری در وست مینیستر (قوای

مقتنه و مجریه)، قوه قضائیه و قوای انتظامی و نظامی

بدون نظر ساکنان کاخ باکینگهام نمی‌دهد. به عبارت

بهرتر، دستگاه سلطنت به جای رقابت در فعالیت‌های

حزبی، به واسطه لابی اشراف‌زادگان و وابستگان خود،

محیط فعالیت سیاسی را از کوچک‌ترین روستاها تا

عالی‌ترین مقامات کشور کنترل می‌کند. علاوه بر این

کنترل عمومی قدرت، دستگاه سلطنت از ۲ مزیت قرون

وسطایی دیگر، یکی مصونیت مطلق قضایی و دیگری

وتوی قوانین ناظر به نظام سلطنت در پارلمان و شوراهای

شهر نیز برخوردار است. آخرین بار در دهه ۱۹۷۰ بود

که الیزابت دوم، مجلس سفلی پارلمان را به خاطر اصرار

بر تصویب قانون حساسی برای آزادی‌های سلطنتی معلق

کرد. در نتیجه جایگاه خاندان وینزور هم به لحاظ قانونی و

هم حقوقی برای نمایندگان مردم بریتانیا دسترس‌ناپذیر

است. در مقابل این قدرت مطلقه، حتی عجیب‌ترین

اختیارات ویژه شاه یا ملکه نیز موضوعی پیش پا افتاده

به نظر می‌رسد. اختیاراتی مانند اعطای القاب سلطنتی

و افتخارات، تنفیذ قدرت به نخست‌وزیر، توانایی تدوین

و تصویب قوانین و تعلیق یا تعطیلی پارلمان، نظارت بر

انتصاب فرماندهان ارتش و قوای نظامی و انتظامی، اداره

مستقیم دستگاه‌های امنیتی داخلی (ام‌ای ۵) و خارجی

(ام‌ای ۶) و اختیار اعلان فرمان جنگ.

■ **اختیارات ملوکانه بر رعایای دموکراسی**

در روزهای اخیر، متعاقب مرگ الیزابت دوم، بحث بر

سر اختیارات حکومتی و سیاسی عجیب و بی‌حد و حصر

دستگاه سلطنتی بریتانیا بسیار رونق داشته و به اندازه کافی

درباره آنها صحبت شده است.

حسی رسانه‌های جریان اصلی این کشور که تحت

سلطنت رسمی نهاد آفکام (نظارت بر رسانه‌ها) درباره

محتوای معایر با ارزش‌های سلطنتی هستند، بویژه پس

از مرگ ملکه دربار «مشروطه بودن» نظام سلطنتی

پرسش‌هایی جدی را مطرح کرده‌اند.

مثلا «کنان مالک» تحلیلگر سیاسی روزنامه گاردین

می‌شد که نام آلمانی‌شان ساکس کوپرگ و گوته بود

که به خاطر تخاصم با آلمانی‌ها در جنگ اول جهانی

به وینزور تغییر یافت. تناقض دیگر نظام به اصطلاح

مشروطه سلطنتی در بریتانیا، عنوان‌های «پادشاهی»

(روای) و «علی‌حضرت» بوده‌اند که تقریبا بر تارک تمام

ارکان و دستگاه‌های حاکمیتی جا خوش کرده است. از

ارتش و پلیس و دستگاه امنیتی و خزانه‌داری سلطنتی

گرفته تا دستگاه دادگستری علیا حضرت - که حالا به

اعلی‌حضرت تغییر پیدا کرده است - علاوه بر این انبوهی از

تیتراهای امروز

گروسی با دیگر ادعاهای رژیم صهیونیستی
علیه برنامه هسته‌ای ایران را تکرار کرد

آژانس یهود



روسیه زیرساخت‌های برق در شرق اوکراین را
هدف قرار داد؛ بخشی وسیعی از اوکراین
در خاموشی فرو رفت

برق از سر اوکراین پرید

افزایش ۵۰.۶ درصدی نرخ اجاره‌بها
در مرداد ۱۴۰۱ نسبت به مدت مشابه سال قبل

خون بها یا اجاره‌بها؟

نرخ رشد اجاره‌بها با عبور از سقف دستوری
۲۵ درصد همچنان در حال یکه‌تازی است

زورگیر بزرگراه آیت‌الله رفسنجانی
به اعدام محکوم شد

درس اعدام

صفحه ۴

خبر

معاون اول رئیس‌جمهور مطرح کرد
استفاده از تمام ظرفیت‌ها
برای زائران اربعین



معاون اول رئیس‌جمهور گفت: دولت برای
حفظ آرامش زائران اربعین تمام ظرفیت‌های
خود را فعال کرده و بخشی از این ظرفیت‌ها را به
کشور عراق نیز ارسال کرده است.

محمد مخبر ضمن قدردانی از تلاش‌های
صورت‌گرفته در بخش‌های مختلف دولت و
گروه‌های مردمی و مواکب، تاکید کرد امسال با
توجه به کاهش مخاطرات کرونا در سطح کشور،
با تقاضای سابق‌بهای برای سفر اربعین مواجه
بودیم که بخشی از مشکلات در ۲ هفته اخیر به
علت این سطح از تقاضا و حضور انبوه جمعیت

در مرزهای چهارگانه و تمرکز ستاد اربعین با
محوریت وزارت کشور برای حل چالش‌ها و
مشکلات این رویداد عظیم بود. وی همچنین
با اشاره به وضعیت جوی امسال و سال‌های
پیش رو که ایام اربعین با اوج‌گیری گرمای

هوای رویه‌رو خواهد بود و همچنین ناکافی بودن
زیرساخت‌های مسیر اربعین برای پذیرش انبوه
زائران، گفت: بخشی از مشکلات هفته اخیر

در مرزهای چهارگانه بویژه در مرز مهران ناشی
از محدودیت در پذیرش این تعداد زائر در یک
مقطع زمانی بود که با ریزش‌های فشرده و انتقال
بخشی از ظرفیت‌های حمل‌ونقل و امکانات اولیه
به خاک عراق، این مشکل تا حد زیادی رفع شد.

معاون اول رئیس‌جمهور در گفت‌وگو با صدواسیما
با اشاره به فراخوان امکانات دستگاه‌های مختلف
برای پاسخ به نیازهای زائران چه در داخل مرز و
چه در شهرهای عراق، خاطر نشان کرد: در حال
حاضر تردد زائران در مرزها بدون مشکل در حال
انجام است و مسیرهای حمل‌ونقل داخل خاک

عراق نیز با تلاش‌هایی که در روزهای اخیر صورت
گرفته، به صورت روان در حال جابه‌جایی زائران
اربعین حسینی است. مخبر افزود: امکانات اولیه
مانند آب و غذا با کمک به موکب‌های مردمی به
صورت ویژه در طول مسیرهای منتهی به مرز و

در داخل خاک عراق و شهرهای نجف و کربلا
در بین زائران در حال توزیع است. معاون اول
رئیس‌جمهور در ادامه گفت: با اقدامات وزارت
راموشهرسازی، استانداران و دیگر دستگاه‌ها، ستاد
اربعین تمهیدات لازم را برای بازگشت زائران با
همه‌انگهی استان‌های منتهی به مرزهای چهارگانه

و نالوگان عمومی و اتوبوس، به صورت اختصاصی
برای جابه‌جا کردن زائران در نظر گرفته است.

محدود نمی‌شود بلکه آنها از طریق دیدار با دیکتاتورهای

عرب، به ترویج سیاست مشهور انگلیسی اختلاف‌افکنی

در منطقه دامن می‌زنند. به همین دلیل است که گلوبال

ریسرچ، معاشرت چارلز و برادرش و سایر اعضای ارشد

خانواده آنها با خودکامگان عرب را به نوعی به منزله نمایش

تفرع وینزورها و ارضای شخصیت در اصل خودکامه‌شان

برسوط می‌داند. از نظر بخش بزرگی از افکار عمومی

انگلیس، این بیماری چارلز و برادرش بویژه با شرکت

مکرر و همراه با هیجان او در مراسم رقص شمشیر خاندان

سعودی تبلور می‌یابد.

عشق‌بازی خاندان سلطنتی بریتانیا فقط به تجارت

محدود نمی‌شود بلکه آنها از طریق دیدار با دیکتاتورهای